



درجات روزه و روزه‌دار در بیان میرزا جواد آقا ملکی تبریزی

عالم و عارف نامی، میرزا جواد ملکی تبریزی در کتاب المراقبات به بحث در خصوص فلسفه و اعمال ماه رمضان پرداخته است، وی معتقد است که گرسنگی بهترین راه شناخت و دیدار خداست.

عالم و عارف نامی، میرزا جواد ملکی تبریزی در کتاب المراقبات به بحث در خصوص فلسفه و اعمال ماه رمضان پرداخته است، وی معتقد است که گرسنگی بهترین راه شناخت و دیدار خداست.

میرزا جواد ملکی تبریزی متولد 1274 در تبریز بود که برای تحصیل به نجف رفت و پس از طی مدارج تحصیلی در قم به تدریس اخلاق، فقه و اصول مشغول شد. امام خمینی(ره) از شاگردان ایشان است. میرزا ملکی تبریزی در تاریخ 1343 قمری در گذشت. اسرار الصلوة، المراقبات و رساله لقاء الله از کتب برجسته این عالم ربانی است.

این عارف برجسته یکی از مهم‌ترین اعمال سالک را در ماه رمضان فهمیدن معنای روزه می‌داند. پس از درک معنای روزه، سالک باید تلاش کند تا با «به دست آوردن اخلاص و کردار و رفتارهایی» رضایت خداوند را که صاحب‌خانه‌ای است که انسان مهمان آن خانه است، جذب کند. میرزا جواد ملکی تبریزی در کتاب المراقبات به مهمترین اعمال و مراقبات در طول سال پرداخته و نکاتی در خصوص آداب عبادت و فلسفه عبادات مطرح کرده است. در پی گزارشی از مباحث مربوط به ماه رمضان در کتاب المراقبات قابل ملاحظه است.

شناخت معنای ماه رمضان از مهمترین اعمال این ماه است

میرزا جواد ملکی تبریزی یکی از مهم‌ترین اعمال در ماه مبارک رمضان را شناخت حقیقت این ماه می‌داند و برای این کار وی از شمردن فواید گرسنگی آغاز می‌کند. ملکی تبریزی معتقد است که گرسنگی فواید بی‌شماری در جهت تکمیل نفس و شناخت خداوند دارد.

این عالم ربانی در حدیثی از پیامبر(ص) روایت می‌کند که با تشنگی و گرسنگی با نفستان مبارزه کنید، همانا پاداش این کار همانند پاداش مبارزه در راه خداست و عملی دوست‌داشتنی‌ترین شخص، در نزد خدا کسی است که گرسنگی بیشتری کشیده باشد، و در خداوند متعال تفکر بیشتری کرده باشد. به نظر می‌رسد این عالم ربانی گرسنگی را یکی از اهداف مهم ماه رمضان می‌داند که البته باید همراه با تفکر باشد.

گرسنگی بهترین راه شناخت و دیدار خداست

وی به ذکر فواید گرسنگی از قبیل، صفای قلب، تواضع، شکستگی شهوت، آمادگی برای انجام عبادات، توانایی انجام عبادات مالی، می‌پردازد و می‌گوید که نعمتی بالاتر و بهتر از نعمت شناخت، نزدیکی و دیدار خداوند نیست و گرسنگی از راه‌های نزدیک رسیدن به آن است.

«پس می‌بینی که روزه تکلیف نیست، بلکه خداوند به وسیله آن تو را بزرگ داشته و به خاطر واجب نمودن آن بر ما منت دارد و به همین جهت شکر آن واجب است و ارزش دعوت خداوند به روزه را در کتابش می‌فهمی و اگر بدانی که این خطاب، دعوت تو به سرای پیوستن به خداست، از آن لحظه برده و می‌فهمی که علت واجب کردن آن کم خوردن و ضعیف کردن نیروهاست. به همین جهت حیف می‌آید که حتی در شبی نیز غذا بخوری و ممکن است علت‌های دیگر تشریع روزه را درک کنی.»

میرزا جواد ملکی تبریزی معتقد است مومن با آگاهی به ارزش کاری که از مومن خواسته شده است، می‌فهمد که برای رسیدن به نتیجه خوب، در جهت انجام درست و اخلاص در آن تلاش می‌کند.

درجات روزه و درجات روزه‌دار

ایشان درجات روزه را مشخص کرده است، روزه عوام که مراد از آن خودداری از مبطلات روزه است که فقها در رساله‌های خود گفته‌اند. مراد از روزه خواص، علاوه بر انجام روزه عوام جلوگیری اعضای بدن از مخالفت خداست که تحقق می‌یابد. در روزه خواص خواص هم علاوه بر مدیریت امور حرام، مدیریت امور حلال نیز به دنبال می‌آید و علاوه بر خودداری از آن‌ها خودداری از امور حلالی که انسان را از یاد خدا باز می‌دارد، در دستور کار قرار می‌گیرد.

علاوه بر اقسام روزه، ایشان به بیان اقسام روزه‌داران نیز پرداخته‌اند. بخش اولی از افراد برای غیرخدا روزه می‌گیرند، این دسته ممکن است به خاطر عادت مسلمین این عبادت را انجام دهند. دسته‌ای دیگر از مومنان علاوه بر موارد فوق ترس کم و امید ناچیزی به پاداش الهی دارند. قسم آخر دسته‌ای هستند که تنها برای رضا و نزدیکی به خداوند روزه می‌گیرند. ایشان در این جا اضافه می‌کنند که بعضی می‌گویند، کسانی که به کمال رسیده‌اند، حتی نباید به نیت شوق و یا ترس، یا پیوستن به خدا و کسب مقام نزد او، یا نیت خوشنودی او، عملی را انجام دهند، و باید نیت آنها فقط شایستگی خداوند برای عبادت باشد و عملی را که به خاطر شوق به وصال خداوند انجام شود ناقص می‌دانند و بعضی این را عبادت نفس دانسته‌اند.

ترس از گناه در نیت پیامبر(ص) و امامان(ع) نقش داشته است

وی می‌گوید، ولی گمان نمی‌کنم هیچ یک از پیامبران و اولیاء خدا و فرشتگان نزدیک، اعمال خود را از آنچه آنان می‌گویند خالص کنند. این افراط است که عملی را که به خاطر رضای خدا و نزدیکی و همسایگی او انجام شود، عبادت نفس بدانیم، چنانچه در سخنان بعضی از اهل معرفت باشد. بلکه اشکالی ندارد که بگوییم اولیای خدا در بعضی از حالت‌ها و جلوه‌گر شدن

نام‌های خداوند بر آنان عملی را فقط به‌خاطر شایستگی خداوند متعال و برای عبادت او انجام می‌دهند و نیت نزدیک شدن به خدا و رضایت او را فراموش می‌کرده‌اند، ولی نمی‌گوییم، پیامبران(ع) همیشه در این حال بوده‌اند چه رسد به این که دیگران همیشه، یا گاهی با این نیت عملی را انجام دهند و من عمل به نیت شایستگی خداوند را برتر از عمل به نیت رسیدن به همسایگی خداوند نمی‌دانم، به این جهت که ما بالاتر از عبادت رسول خدا(ص) و امیرالمؤمنین(ع) نداریم و از روایات معلوم می‌شود که بعضی یا بیشتر اعمال آن‌ها فقط به‌خاطر به دست آوردن رضای خدا و نزدیکی به او بوده است. چه اشکالی دارد گاهی اوقات ترس از مجازات نیز جزئی از نیت آنها باشد. برای کسی که از ترس مجازات خدا غش می‌کند، امکان ندارد یا خیلی مشکل است که این ترس در نیت او هیچ تأثیری نداشته باشد.